

اگر با دول‌های یورپ زمین
شما را شود شیوه جنگ کین
درین جا به امداد آماده ایم
بخدمت کمر بسته استاده ایم

این گفته شاهنامه چترال نیز مبالغه آمیز و دور از حقیقت است. طور نمونه میتوان از جمله چندین سند یکی از اسناد محرمانه انگلیس راجع به مهتر چترال را ذکر کرد. کمشنر عالی پشاور به آمرینش اطلاع میدهد که "مهتر چترال در مخابره اش، با روحیه قوی، به من از صمیمیت و طرفداری خود و مردمش از حکومت، و نفرت و بیزارى اش از افغان ها اطمینان داد. قوماندان قوای سکاوت چترال (Chitral Scouts) سرک بین ارنوی (Arandu) و میرکهنی (Mirkhani) رادر سه جای از بین برده است. چترال محرم اسرار است¹¹⁵".

9. توصل به دامن سلطان شکست خورده ترکیه:

یکی از اقدامات دیگر حکومت هند بریتانوی در مبارزه با جنگجویان قبایلی حتی قبل از جنگ استقلال مراجعه به سلطان یا خلیفه شکست خورده امپراتوری عثمانی بود تا جهاد را

¹¹⁵. اسناد محرمانه استخبارات انگلیس، تلگرام محرمانه شماره ۱۳۴۱ مؤرخ ۱۴ می ۱۹۱۹، بخش اول مراسلات ۱۹۱۹، مربوط به جنگ سوم افغان و انگلیس. L/P&S/10/819; FileP.1953/1919: سند شماره ۱۲۵.

تحریم نموده و کسانی را که میخواهند اعلان جهاد نمایند، تقبیح کند.¹¹⁶

جریان رویداد های جبهه چترال و کنر

آمادگی هر دو طرف برای جنگ

دوشنبه ۵ می ۱۹۱۹ تا چهارشنبه ۷ می ۱۹۱۹ (۱۴ تا ۱۶ ثور ۱۲۹۸) وقتی مناسبات بین افغانستان و بریتانیا تیره شد، به تاریخ پنجم می ۱۹۱۹، نماینده و معاون نماینده سیاسی (Assistant political Agent) انگلیس ها مقیم چترال، میجر ریلی¹¹⁷ (Major Reilly) امر آماده باش سه تولى قوای سکاوت چترال را صادر نمود¹¹⁸. قوای انگلیسی با تجهیزات سفری مجهز بودند. در عین زمان گاریزون قلعه دروش (Kala Drosh) تحت فرماندهی سامبورن-پالمر¹¹⁹ (Lieutenant Colonel Sambourn-Palmer) به حالت دفاعی و آماده باش قرار داده شد. پنجشنبه، ۸ می ۱۹۱۹ (۱۷ ثور ۱۲۹۸)

¹¹⁶. Adamec, L.W. (1996)، ص ۱۵.

¹¹⁷. Noel Edmund Reilly از سال ۱۹۱۵ بحیث معاون نماینده سیاسی انگلیس

ها برای دیر، سوات و ملکند اجرای وظیفه مینمود.

¹¹⁸. Molesworth, G. N. (1963)، ص ۱۳۲؛ Robson, Brian (2004) ص ۳۴؛

و Government of India. (1926)، ص ۸۹.

¹¹⁹. Frederick Carey Stukely Sambourne-Palmer بین سالهای ۱۹۱۲ و

۱۹۲۰ نخست قوماندان قوای راجپوت و بعداً قوماندانی کندک های ۱۰ و ۷ راجپوت را بعهده داشت.

غازی میر زمان خان با چهارصد (۴۰۰) نفر جنگجوی قومی از راه اسمار به طرف بریکوت حرکت نمود. کمشنر عالی انگلیس ها در سرحد شمال غربی در تلگرام شماره ۱۳۰۹ مؤرخ ۱۱ می ۱۹۱۹ به سکرتر برای حکومت هند بریتانوی، نائب السلطنه انگلستان در هند و فرمانده کل قوای انگلیس، نقل تلگرام ارسالی مؤرخ ۱۰ می ۱۹۱۹ نماینده انگلیس ها از چترال را فرستاد، که متن آن چنین بود: "راپور واصله از ارندو¹²⁰ حاکیست که تمام قوای عسکری از سرکانی، برای تقویت پوسته سرحدی بریکوت تحت رهبری میر زمان خان، برای حمله برچترال اختصاص یافته اند. میر زمان خان ساعت هشت شب هشتم ماه می به اسمار رسید. حمله، قرار یک راپور، به تاریخ پانزدهم آغاز خواهد شد. راپور دیگر میگوید که آنها تا رسیدن تفنگ های که قرار است از جلال آباد برسند، انتظار خواهند کشید... مهتر به ما وعده کمک کرده و پیغام وفاداری فرستاده است."

اقتباس متن انگلیسی تلگرام :

"Report received from Arandu that all regular troops from Sarkanni reinforcement to Barikot Thana five regiments have been allotted for an attack on Chitral under Mir Zaman Khan, who reached Asmar, May 8th, at 8 P.M. Attack will, according to one report begin on the 15th instant, another report is that they will await rifles which are expected from Jalalabad".

غازی میر زمان خان آگاه بود که عمال و جاسوسان انگلیس ها درین ساحه فعال هستند¹²¹، لذا بدون توقف در اسمار، به حرکت بطرف ناری ادامه داد و حوالی ساعت ۸ صبح روز جمعه، نهم ماه می ۱۹۱۹ (مطابق هشتم شعبان ۱۳۳۷ و یا ۱۸ ماه ثور ۱۲۹۸) به بریکوت رسید، و نزدیک سرحد در منطقه ارنوی جابجا گشت، و با فرمانده این قوای عسکری سرحدی، کرنیل خورشید خان، مشغول آمادگی جهاد و حمله بر تاسیسات انگلیس شد.

شنبه، ۹ ماه می ۱۹۱۹ (۱۸ ثور ۱۲۹۸)

انگلیس ها ۲ تولی از قوای سکاوت چترال را در کناره چپ دریای چترال (کنر) به گله پیچ (Galapach) در ۲ میلی پایان میرکهنی (Mirkhani) فرستادند تا راه کنار دریا را زیر نظارت داشته باشند.

مهتر چترال نیز لشکری را آماده ساخته بود که تحت رهبری دو شهزاده، دو کاکا و یک پسر کلان یعنی ولیعهدش به سرحد افغانستان فرستاد:

- دو دسته ازین لشکر، که مشتمل بر یک هزار نفر میشدند، برای نگهبانی کوتل های بدخشان تعیین شدند. یکی تحت رهبری شهزاده غازی الدین به کوتل "دوراه"، و دیگرش تحت رهبری شهزاده محمد مظفرالملک به کوتل "بروغیل".

¹²¹. پوهاند رازقی نپوال در صفحه ۲۰۹ کتاب "لرغونی او اوسنی کونر" نیز به این موضوع اشاره نموده مینویسد که "باید گفته شود که جاسوس های انگلیس هر قدر در جبهه چترال کوشیدند به کدام نتیجه نرسیدند."

¹²⁰. اسمی که انگلیس ها و چترالی ها برای ارنوی بکار میبردند.

- دسته دیگر تحت قیادت پسر کلان و ولیعهد مهتر، شهزاده ناصرالملک¹²²، و برادر مهتر، دستگیر، برای پاسداری کوتل های طرف نورستان و دفع حمله افغان ها گماشته شدند.

بسمت بدخشان که دو بندر است
نگهبانیش نیز در خاطر است
در آن هردو جالشکر از سوی من
نشسته ست از بهر حفظ وطن
دو شهزاده گانم به کوه دو راه
مقیم اند بالمشکر رزم خواه
یکی غازی الدین جوان رشید
محمد خدیو است با او وحید
محمد مظفر به تکمیل نام
بروغیل را کرده است انتظام
جوانان جنگ آزموده هزار
در آن هردو بندر گرفته قرار
که در دفع دشمن کمین میکنند
حفاظت در آن سرزمین میکنند
بسمت بریکوت یک دسته فوج
فرستاده ام در مقامات اوج
که تا دشمنان را سوی ملک خویش
نمانند گری پای آرند پیش
سرافسر دو تن بوده همراه شان
یکی ناصرالملک پورم کلان

¹²² ناصرالملک در سال ۱۹۴۰ به مهتری چترال رسید.

دوم دارم بنده دستگیر
که با ناصرالملک باشد مشیر¹²³

فتح ارنوی، دو کلام، لمبریت و گد تو وسط غازی میرزمان
خان

دوشنبه، ۱۲ ماه می ۱۹۱۹ (۲۱ ثور ۱۲۹۸ مطابق ۱۱ شعبان ۱۳۳۷)
حدود سه صد نفر از جنگجویان قومی تحت رهبری غازی میرزمان
خان بعد از عبور سرحد، بر منطقه تحت تسلط چترال حمله کردند و
مناطق "ارنوی"، "دو کلام"، "لمبریت" و "گد" را، که طرف مقابل
بریکوت موقعیت دارند، تسخیر نمودند. بعد از تسخیر این مناطق،
جنگجویان افغان به پیشروی شان بطرف میرکهنی، در شمال به
امتداد دریای کنرادامه دادند¹²⁴.

مولانا عبدالخالق اخلاص، که خود درین جنگ شرکت داشت
چشم دیدش را چنین بیان میکند¹²⁵:

چې غازی میرزمان خان په حمله ساز شه
په کفارو باندي جوړ د غم آواز شه
ډیر کفار له تیغه تیر پاتې مردار شوه
هغه نور په تینسته لاره جان بردار شوه

¹²³ میرزا محمد غفران و میرزا شیر احمد خان (۱۹۴۱) ص ۱۵۴.

¹²⁴ Molesworth, G. N. (1963), ص ۱۳۲; Robson, Brian (2004) ص ۳۵;

و Government of India. (1926), ص ۸۹.

¹²⁵ اخلاص، عبدالخالق (۲۰۰۵م) ص ۱۵۰.

خلور خاییه د کفارو چې محکوم دي "ارنوي" او "لامبربت" او "گد" معلوم دي بل پړاود "گواټی" گوره عیان داشو فتحه په نصرت د ذوالمنان چې غازي میسرزمان خان هلته قرار کړ د چترال د مهرزړه یې نا قرار کړ بریکوت کې معصوم شاه پاچا وگوره و سره هم خورشید خان کرنیل وروره هم و سره عبدالحکیم آخندزاده و په نرنګ کې چې ساکن او باشنده و

سه شنبه، ۱۳ ماه می ۱۹۱۹ (۲۲ ثور ۱۲۹۸)

میجرریلی نماینده انگلیس ها مقیم چترال اطلاع یافت که لشکر سه صد نفری قومی (غازی میرزمان خان کنری) در کناره شرقی دریای کنر، "دمر نثار" و "کاوتی" را، که در فاصله هشت میلی جنوب شرقی "میرکهنی" موقعیت دارد، به تصرف درآورده و در فاصله دو میل در جنوب نیروهای سکاوت چترال سنگر گرفته اند.¹²⁶ در عین زمان روشنایی آتش دیدبانی در کوتل پیتاسن یا پاتکون (Patkun) در غرب میرکهنی بمشاهده رسید. این علامت یا شفر از پوسته های نگهبانی از حمله غازیان افغان از سمت غرب اطلاع میداد. فرماندهان انگلیس تصور نمودند که قوماندان لشکر افغانی قصد حمله بر دروش را دارد. با گرفتن این اطلاع، میجرریلی، با دو ټولی از سکاوت چترال و یکصد و بیست نفر (۱۲۰) از محافظین مهتر، دروش را به قصد میرکهنی ترک گفت، تا از قسمت های

فوقانی گله پیچ بتواند هم بر کوتل پاتکون نظارت کند و هم بتواند پیشرفت نیروهای افغان را در قسمت شرقی دریای کنر مشاهده کند. او به تعداد سی (۳۰) نفر را در نغر¹²⁷ گذاشت، اما بعداً دریافت که اطلاع حمله افغان ها از سمت غرب حقیقت نداشت.

چارشنبه ۱۴ ماه می ۱۹۱۹ (۲۳ ثور ۱۲۹۸)

جنگ سختی بین نیرو های قومی افغان و نیروهای انگلیس در گرفت، افغان ها موفق شدند نیرو های انگلیس را شکست داده و "گله پیچ" را تصرف کنند.

پنجشنبه، ۱۵ می ۱۹۱۹ (۲۴ ثور ۱۲۹۸)

با رسیدن به "میرکهنی"، میجرریلی اطلاع یافت که افغان هادر هردو کناره دریای کنر بطرف شمال پیشروی نموده اند و یک ټولی از قوای انگلیس ها در "گله پیچ" شکست خورده بطرف "میرکهنی" در حال فرار است. میجرریلی ټولی تازه دم سکاوت چترال را با بعضی از افراد مهتر به کناره غربی دریای کنر فرستاده خودش در راه کناره شرقی دریا، جلو لشکر فراری انگلیس ها را گرفته برای بدست آوردن مجدد "گله پیچ" آمادگی گرفت.

حمله بزرگ تمام نیرو های انگلیسی، تلفات شدید دو طرف و عقب نشینی مؤقت افغان ها

جمعه، ۱۲ می ۱۹۱۹ (۲۵ ثور ۱۲۹۸)

¹²⁷. نغر در فاصله دو میل در شمال میرکهنی قرار دارد.

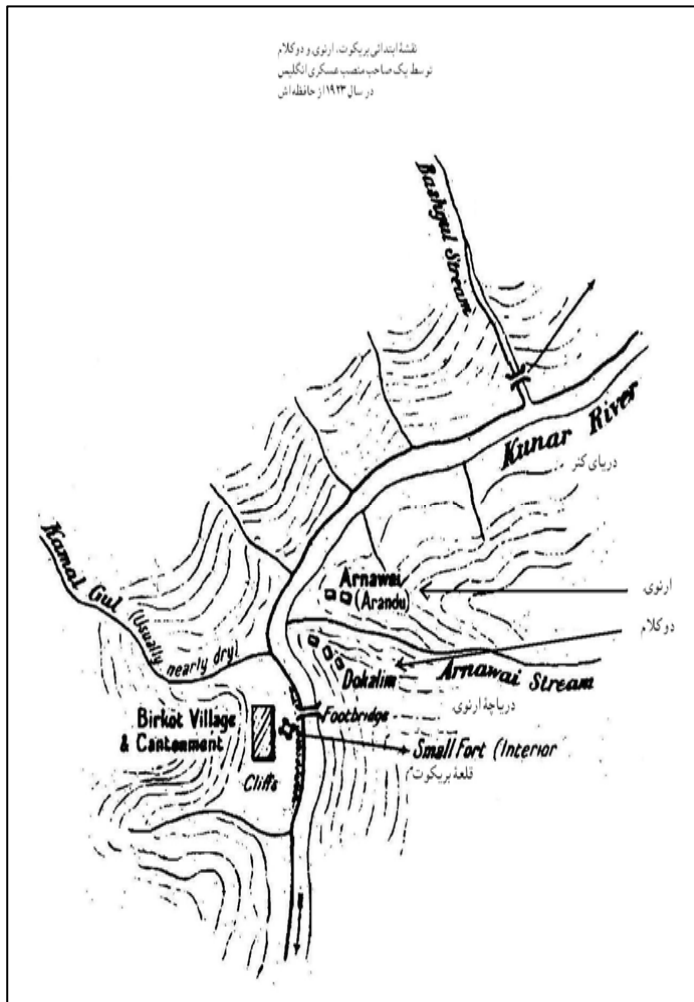
نیرو های افغان تا این وقت در جبهه چترال شامل چارصد (۴۰۰) نفر جنگجویان قومی غازی میرزمان خان و یک تولى نظامیان خورشید خان بود. جنگ های تن به تن و شدید بین قوای تازه نفس انگلیس و لشکر افغان در محاذ های "گله پیچ" و "کاوتی" ادامه داشت. "کاوتی" مورد حمله و آتش توپخانه از کناره شرقی دریا قرار گرفت. در یک درگیری شدید و جنگ نابرابر، انگلیس ها توانستند نقاط بلند حاکم بر مواضع افغان ها را بدست آوردند و از آنجا غازیان افغان را زیر آتش گلوله های توپ های کوهی قرار دهند. افغان ها از "کاوتی" عقب نشینی نموده و هنگام عقب نشینی تنها یک توپ ستندرد را که قابل استفاده نبود، به جا گذاشتند. این توپ بعداً به چترال انتقال داده شد و به نام توپ تسخیر شده در جنگ بریکوت، در پیشروی قلعه شاهی چترال برای نمایش و تزئین گذاشته شد.

شنبه، ۱۷ می ۱۹۱۹ (۲۸ ثور ۱۲۹۸)

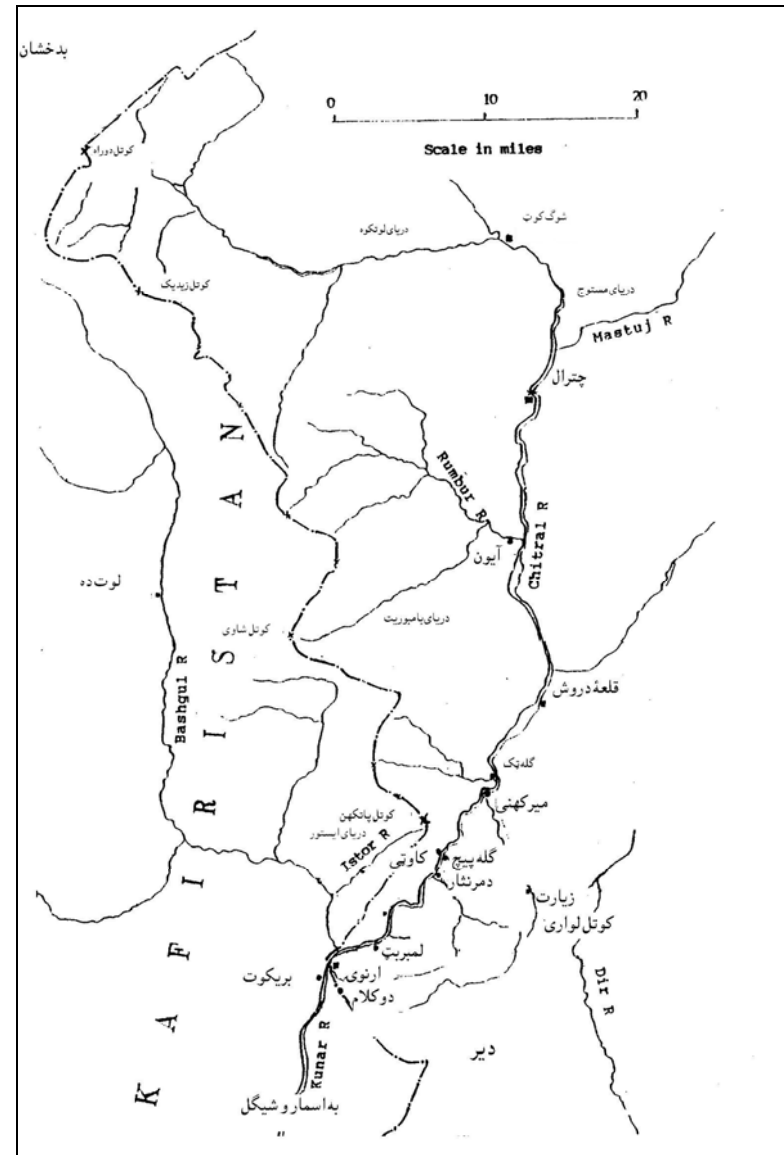
جنگ سخت در محاذ های "دمرشار" و "کواتی" در گرفت که موجب تلفات شدید شد. انگلیس ها تلفات افغان ها را درین دو موضع سی (۳۰) شهید و چهل (۴۰) زخمی قلمداد کرده اند.

یک مشکل بزرگ که غازی میرزمان خان، قوماندان جبهه، بر علاوه کمبود مهمات، با آن مواجه بود، مشکل تداوی مجروحین جنگ بود. آنها نمیتوانستند شهدا و مجروحین خود را در میدان نبرد بگذارند. اگر این کار حتی به صورت تصادفی اتفاق می افتاد، اجساد بعد از تاریکی شب مورد حمله حیوانات درنده و وحشی قرار

میگرفت¹²⁸. لذا تصمیم گرفته شد برای انتقال شهدا و مجروحین عقب نشینی کنند و به مواضع "ارنوی" و "بریکوت" برگردند.



¹²⁸. Molesworth, G. N. (1963) ص ۹.



نقشهٔ جبهات جنگ چترال و کتر

انگلیس‌ها این عقب‌نشینی افغان‌ها را یک پیروزی بزرگ دانسته کمشنر عالی پشاور به سکرتر امور خارجه و سیاسی حکومت هند

بریتانوی در شیمله راجع به اوضاع از شمال تا به جنوب چنین گزارش داد: "چترال راپور میدهد که سیصد (۳۰۰) نفر دشمن دو ناحیه را در اطراف دریای چترال، در فاصلهٔ ده میلی "میرکهنی" تسخیر نموده اند. میجر ریلی با سیصد نفر از سکاوت چترال و همکاری محافظین مهتر آن‌ها را مورد حمله قرار داده، از هر دو ناحیه به عقب رانده و یک توپ ستندرد را نیز به غنیمت گرفته است. دشمن با گذاشتن ده کشته در میدان و احتمالاً تعدادی هم در دریا و نهرها، بطرف ارنوی فرار نمودند. ما تلفاتی نداشتیم. مناطق دیر، سوات و کوه‌های سیاه آرام هستند. مهمندها گزارش میدهند که تعداد زیادی از اجساد اسپ‌ها، قاطرها و چند فیل در دریای کابل شناور هستند. مهمندها و شلمانی‌ها آرام هستند. شینواری و ملاگوری‌ها دوستانه فعال بوده و در خدمت ما قرار دارند 129."

یکشنبه، ۱۸ می ۱۹۱۹ (۲۹ ثور ۱۲۹۸)

انگلیس‌ها میدانستند که این یک فشار امتحانی بر آن عده افغان‌ها بود که تا هنوز نیروی اصلی‌شان را به کار نبرده بودند¹³⁰. آنها از طریق جواسیس‌شان اطلاع گرفته بودند که غازی میر زمان خان هنگام عقب‌نشینی از "گله پیچ" تصمیم گرفته بود تا دسته‌های از قوای عسکری بریکوت تحت فرماندهی کرنیل خورشید خان را برای استحکام "ارنوی" بر قلعه‌های حاکم در فاصلهٔ یک میلی در طرف چپ دریای "باشگل (لنوی سیند)" و مواضع "دره شوت" و

¹²⁹ اسناد محرمانهٔ استخبارات انگلیس، تلگرام شماره ۱۳۵۲، بخش اول مراسلات ۱۹۱۹، مربوط به جنگ سوم افغان و انگلیس. L/P&S/10/819; File P. 1953/1919. سند شماره ۱۷۲.
¹³⁰ Robson, Brian (2004). ص ۳۵.

"ایستورز" در نزدیکی شاخه فرعی دریای "استور" جابجا نماید، و همچنان برادر خوردش، خان محمد خان کنری، را برای آماده ساختن لشکر تازه دم قومی مهمند به باجور و مهمند بفرستد. از همین جهت آنها دست به اقدامات دیگر زده و نقشه جنگی آتی را روی دست گرفتند:

- أ. چون کوتل های واخان و بدخشان تا هنوز با برف مسدود بودند و احتمال خطر حمله از شمال-غرب نمیرفت، و روشن بود که تنها راه حرکت افغان ها از طرف نورستان و کنر ممکن است، سامبورن-پالمر بعد از تکمیل خط دفاعی "قلعه دروش" از دو هزار نفر نیرو های چترالی از آن کوتل ها پاسداری میکردند خواست تا بطرف ارنوی حرکت کنند¹³¹.
- ب. انگلیس ها نورستانی های کامدیش و باشندگان دیگر کناره چپ دریای باشگل (لنډې سیند) را با دادن وعده های مختلف بشمول آزادی آنها از سلطه حکومت افغانستان با خود همراه ساخته، تشویق نمودند شامل جنگ شده و با آنها یکجا بر مواضع افغان ها حمله ور شوند.
- ج. سامبورن-پالمر، فرمانده نیروهای انگلیس نیز خودش با قوای ۱۱/۸ راجپوت عازم خط اول جبهه شد¹³².

دوشنبه، ۱۹ می ۱۹۱۹ (۳۰ ثور ۱۲۹۸)

با دانستن اینکه با وجود پیوستن غازیان تازه نفس به صفوف لشکر قومی غازی میرزمان خان، تعداد جنگجویان افغان بیش از ششصد

¹³¹. همانجا

¹³². Molesworth, G. N. (1963), ص ۱۳۴; Robson, Brian (2004) ص ۳۷;

و Government of India. (1926), ص ۹۰.

(۲۰۰) نفر نیستند و قوای انگلیس ها از نظر نیروی انسانی به مراتب بیشتر از آنها میباشند، فرمانده انگلیس ها سامبورن-پالمر تصمیم گرفت ازین فرصت و چانس طلایی استفاده نموده با تمام قوایش بر مواضع افغان ها هجوم ببرد. او با آمادگی کامل و اطمینان تمام قوایش را به چهار ستون تقسیم نمود و از "میرکهنی" به حرکت در آورد:

1. دسته اول شامل تولی-سکاوت چترال، یک هزار (۱۰۰۰) نفر از محافظین مهتر و عده از نورستانی های بود که از سرحد تازه رسیده بودند. قیادت این ستون را ناصرالملک، فرزند ارشد مهتر به عهده داشت که دو کاکایش، برادران مهتر، به نام های بنده دستگیر و برادرش دلارام خان وی را همراهی مینمودند. آنها وظیفه داشتند از طرف راست، سرحد را در نزدیکی کوتل "پاتکون" عبور نموده، در کناره دریاچه "ایستور" بطرف پایان تا نقطه تقاطع دریای "باشگل (لنډې سیند)" به پیش روند. بعد از رسیدن به آنجا، آنها باید پنجاه (۵۰) نفر را برای محافظت پل "باشگل" جابجا نموده از طریق تپه های بلند قسمت غربی برپایگاه "بریکوت" حمله کنند.
2. ستون دوم شامل دو تولی-سکاوت چترال تحت قوماندۀ لوتننت باورز¹³³ باید از راه کناره غربی دریا مستقیماً پائین آمده و پل دریای باشگل (لنډې سیند) را در نزدیکی تقاطع دو دریای باشگل و کنر در شمال "ارنوی" تصرف کند. علاوه بر یک دسته سیصد (۳۰۰) نفری لشکر ایله جاری های چترالی نیز وظیفه داشتند حرکت نموده با پائین آمدن از منطقه که در بین

¹³³. Tomas Ivan Bowers معاون قوماندان قوای ۱۱/۸ راجپوت از قوای پیاده

نظام شماره ۹ بویال بود.

آبهای "ایستور" و "چترال" موقعیت داشت، روابط بین این قوا را با سکاوت چترال تامین کنند.

3. ستون سوم، یا اصلی (متحرک) تحت قوماندۀ شخص سامبورن- پاملر هدایت داشت با پائین آمدن از کناره شرقی دریای چترال، "ارنوی" را تصرف کند. این قوا شامل دو تولی- سکاوت چترال تحت رهبری ریلی، قوای ۱۱/۸ راجپوت به استثنای یک تولی، تمام قوای نقب زن دوم مدراس، تمام قوای مین گذار و یک بخش از بطریقه شماره ۲۳ توپچی کوهی بود.

4. ستون چهارم (از طرف چپ) شامل سه تولی- سکاوت چترال تحت قوماندۀ کپتان کریمین¹³⁴ باید در یک حرکت نیمه دایروی وسیع از "دمرنثار" خود را به جناح راست افغانها برساند. تمام ستونها باید تا تاریخ ۲۳ می خود را به اهداف شان میرسانند.

پنجشنبه ۲۲ می ۱۹۱۹ (۳۱ ثور ۱۲۹۸)

قوای ناصرالملک بعد از یک برخورد با دسته کوچک افغانها از باشگل (لنډې سیند) عبور نموده خود را به بلندی های غربی بریکوت رساندند. چند نفری از چترالیها در شب ۲۲ و ۲۳ می پلی را قطع نمودند که "بریکوت" را با "ارنوی" وصل مینمود. بدین وسیله آنها توانستند رابطه مدافعین افغان "ارنوی" را با بریکوت قطع نموده، مانع رسیدن کمک به آنها شوند.

جمعه ۲۳ می ۱۹۱۹ (۱ جوزای ۱۲۹۸ مطابق ۲۲ شعبان ۱۳۳۷)

¹³⁴. Charles Clarence Crimmin که از سال ۱۹۱۸ برای دومین بار در قوای

پیش آهنگان چترال ایفای وظیفه مینمود.

سامبورن-پاملر به حرکتش ادامه داد، ولی در مسیر راه، در پنج میلی "ارنوی"، با پل تخریب شده مواجه شد که مانع پیشروی اش شد. اما همراهش، میجر ریلی، با یک قسمت از قوایش با مشکلات زیادی ازین مانع گذشته و در نزدیکی های شمال ارنوی با غازیان افغان روبرو شد. ساعت شش صبح جنگ شدیدی بین قوای میجر ریلی انگلیسی و غازیان افغان آغاز گشت. غازی میرزمان خان و لشکر دلیرش با آنکه از نظر کمیت و کیفیت به هیچ وجه با انگلیسها مقایسه شده نمیتوانست، از خود شهامت و مقاومت فوق العاده نشان دادند. آنها بشکل گروپ های کوچک در چندین محاذ مثل "انگارپتی-پاری"، "ملک هور" و "لمبربته" مصروف نبرد شدند. ساعت ۷ و ۴۵ صبح توپ های بطریقه شماره ۲۳ توپچی انگلیسی به غرش درآمدند. به یک تولی- از سکاوت چترال و قوای ۱۱/۸ راجپوت تحت فرماندهی شخص ریلی هم هدایت داده شد تا "دوکلام" را مورد حمله قرار دهند. جنگ شدید برای دفاع از مواضع تسخیر شده "دوکلام" آغاز شد. ستون تحت فرماندهی کریمین نیز کوشید از سمت چپ با قوای ریلی یکجا شود، اما با مقاومت شدید افغانها مواجه شد. جنگجویان افغان تا ساعت ۲ و ۱۰ بعد از ظهر مقاومت نمودند و جلو پیشروی هردو قوای انگلیس را گرفتند، اما بعد از آن با تمام شدن مهمات شان، بطرف جنوب (در استقامت اسمار) در کناره دریای کتر عقب نشینی کردند.

قوای ۱۱/۸ راجپوت در ستون اصلی یا مرکزی نیز پایگاه مقاومت افغانها را هدف قرار داده، خواستند پیشروی کنند اما با مقاومت شدید تیراندازان افغان روبرو شده تلفات سنگینی را متحمل

شدند¹³⁵. انگلیس ها اطلاع یافتند که فرمانده غازیان افغان، میرزمان خان، شخصاً در پایگاه قلعهٔ ارنوی موجود است. آنها از ساعت ۱۰ و ۵ دقیقه صبح تا ۱۱ و ۱۵ دقیقه این قلعه را مورد آتش شدید توپخانه قرار دادند. غازیان باز هم از پیشروی انگلیس ها جلوگیری نمودند. سامبورن-پاملر طالب کمک بیشتر شد و پنج بلوک (۲۵۰) نفر دیگر به کمکش فرستاده شدند.

در حالی که غازیان افغان شجاعانه از مواضع شان دفاع مینمودند، دو تولی از قوای سکاوت چترال تحت فرماندهی "باورز" توانستند خود را به پل دریای باشگل (لنډې سیند) رسانده و بطرف غرب کنارهٔ دریا با قوای چترالی شهزاده ناصرالمک پیوندند و داخل بریکوت شوند. با داخل شدن آنها به بریکوت، تاراج و غارت قریهٔ بریکوت و مواسی اهالی به کمک محافظین مهتر توسط نورستانی ها و چترالی های یله جاری آغاز شد. نورستانی ها از همه در تاراج اموال باشندگان بریکوت سهم بیشتر داشتند.

و اما دیوار های قلعهٔ ارنوی تخریب شده و داخل قلعه در آتش میسوخت. انگلیس ها تمام قوای شان را مطابق به پلان طرح شدهٔ اولی برای آخرین یورش بر ارنوی به حرکت درآوردند، ولی خلاف توقع شان، نبرد تا ساعت ۲ و ۳۰ بعد از ظهر با تمام شدت ادامه پیدا کرد. یک برادر مهتر نیز درین نبرد کشته شد. غازیان افغان شروع به عقب نشینی نمودند، اما یک دستهٔ بیست و پنج (۲۵) نفری تیر اندازان ماهردر عقب یک سنگ بزرگی که بر راه عبور قوای ۱۱/۱ راجپوت حاکمیت داشت، کمین گرفتند و بزرگترین تلفات را بر

¹³⁵ . Molesworth, G. N. (1963), ص ۱۳۲.

قوای دشمن وارد کردند. انگلیس ها به قوای سکاوت چترال و یک بلوک از راجپوت ها تحت قوماندهٔ جمعدار رام سنگه دستور داد تا با فدایان افغان به مجادله پرداخته، خود با عجله پا بر فرار نهادند. مقاومت جانبازان افغان و جنگ تن به تن با راجپوت ها تا آنوقتی ادامه داشت که آخرین نفر شان به اثر حملات بم های دستی جام شهادت نوشید.

بیائید شمهٔ از جریان نبرد این روز را از خود نویسندگان شاهنامهٔ چترال بخوانیم:

به تاریخ بیست و سه از ماه می
مطابق دو بیست شعبان بوی
چو صبح همین روز را شد طلوع
ز هر دو طرف جنگ آمد شروع
به بریکوت هم برارند و مقام
چو باران که می ریزد اندر غمام
زتوپ تفنگ آنچنان گله ریخت
که تار حیات جهانی گسیخت
ز غریدن — سوپ تندر مثال
به لرزه در آمد زمین و جبال
ز بس گله بارید همچون تگرگ
شد اشجار بریکوت بیشاخ و برگ
زهژده پنی — سوپ های بزرگ
که هر گله اش هست ده من سترگ
شد قلهٔ کوه ها پاش پاش

صدایش بسی جان گزا دل خراش
 به هیبت فغانش ز تندر بتـر
 ز هول قیامت فزون شور شر
 دگر در زمین گله اش می فتاد
 مغاکی فراخی در ان می کشاد
 بم توپ چون در هوا می کفید
 بسی مردمان را جسد میـدرید
 گرفت آتش قهر روی زمین
 هوا پـر شد از گله آتشین
 تفنگ از دهن شعله خشم ریخت
 پلنگ از سر کوه لرزان گریخت
 پلنگ بن غار لرزید سخت
 ز صدمه دل سیر شد لخت لخت
 دل ماهیان سوخت در قعر آب
 پرنده بروی هوا شد کباب
 جگرها شد از سینه پرداخته
 فلک بر زمین شورش انداخته¹³⁶
 آنها ادامه میدهند که:

فرنگی بآن توپ های کلان
 نخست ارنوی را کرده نشان
 که میرزمان خان در آن قلعه بود
 دیگر شاه زیور در آنجا قعود
 هدف کرد آن قلعه را ضرب توپ

¹³⁶. میرزا محمد غفران و میرزا شیر احمد خان (۱۹۴۱) ص ۱۲۲.

بیک ساعتش آن چنان داد کوپ
 که هموار شد قلعه مثل زمین
 هزیمت نمودند از و اهل کیـن

غازی میرزمان خان با تخلیه قلعه ارنوی، تاکتیک جنگی اش را تغییر داده، تصمیم گرفت تا رسیدن خان محمد خان برادرش به همراهی لشکر تازه نفس غازیان مومند تحت قیادت محمد امین کویا خیل، عوض جنگ جبهه ای به جنگ چریکی بپردازد.

کرنیل سامبورن-پالمر قوماندان قوای انگلیسی با آنکه در راپور رسمی اش به مرکز ادعا نمود که افغان ها شکست خورده اند و طالب مکافات به مهتر چترال شد، اما میدانست که هر لحظه مورد حمله مجدد آنها قرار خواهد گرفت، لذا به قوایش امر نمود قبل از تاریکی شب کناره شرقی دریا را هرچه زودتر تخلیه نموده در همواری های سمت شمال شرق ارنوی کمپ مؤقت خود را برپا کنند. اما این تخلیه برای انگلیس ها بدون تلفات نبود. آنها یکبار دیگر تحت آتش تفنگ های غازیان افغان قرار گرفتند که در جریان آن خود سامبورن-پالمر به شمول دو تن از انضباطان انگلیسی میجر ریلی جراحت برداشتند¹³⁷.

انگلیس ها تلفات خود را درین عملیات چند روزه شانزده (۱۶) نفر کشته و چهل و هشت (۴۸) زخمی قلمداد میکنند. آنها همچنان ادعا دارند که تلفات افغان ها دوصد و پنجاه (۲۵۰) شهید و پنجاه

¹³⁷. Robson, Brian (2004) ص ۳۷.

و پنج اسیر بود¹³⁸، که این ادعا کاملاً مبالغه آمیز می باشد. تعداد اصلی شهدای افغان درین جنگ به شمول برادر غازی میرزمان خان، سردار خان، یکصد و بیست و شش (۱۲۲) نفر و تعداد مجروحین ۱۸۰ نفر است¹³⁹ (برای لست مکمل اسمای یک صد و بیست و شش (۱۲۲) شهید این جبهه به قسمت ضمایم مراجعه کنید).

شنبه ۲۴ می ۱۹۱۹ (۲ جوزای ۱۲۹۸)

هفته آخر ماه می بدون کدام نبرد مهم و تعیین کننده سپری شد. هر دو طرف افغان و انگلیس مشغول جمع آوری مهمات و تقویت قوای شان بودند و نورستانی ها و چترالی ها هم به سوختاندن و غارت قریه های اطراف پرداختند. نورستانی ها با عجله گاوها و بز های مردم را انتقال میدادند.

یکشنبه ۲۵ می ۱۹۱۹

کمشنر عالی و نماینده برای والی عمومی ایالت سرحدی شمال غربی به سکرتر امور سیاسی و خارجی حکومت هند بریتانوی در شیمله و نائب السلطنه انگلستان در هند¹⁴⁰، از قول معاون نماینده سیاسی چترال نوشت: "چترال مخابره کرد که سکاوت چترال و محافظین مهتر با ستون متحرک ما در حمله ۲۳ می بر نظامیان و قوای لشکر قومی ایکه در امتداد رود باشگل (لنوی سیند) موضع

گرفته بودند، کمک نموده ما توانستیم در ارنوی، دو کلام و بریکوت به اهداف خود نایل شویم".

کمشنر عالی پشاور و نماینده انگلیس ها به مرکزش از مخالفت انتقال مجروحین قوای انگلیس در جبهه چترال و کنر از راه دیر تذکر داده نوشت که "نماینده سیاسی (Political Agent) ملکند راپور داده است که از پیشنهاد انتقال مجروحین چترال از راه دیر اطلاع یافته است. نماینده سیاسی به این تصمیم انتقاد میکند، این عمل (سرازیر شدن و دیدن مجروحین انگلیسی) باعث هیجان مردم منطقه خواهد شد¹⁴¹".

جمعه ۳۰ می ۱۹۱۹

نماینده سیاسی گلگیت در تلگرامش¹⁴² به سکرتر شعبه امور خارجی و سیاسی حکومت هند بریتانوی در شیمله اطلاع داد "از چترال اطلاع رسیده که یک جنرال افغان با پنجصد (۵۰۰) نفر، و تعداد بیشتری به (کوتل-ز) "بروگیل" خواهند آمد، آنها از گلگیت ۳۹۹ تفنگ خواسته اند. من به یک تولی دیگر سکاوت (Scouts) امر کردم و همچنان ترتیبات امنیت "مستوج" و "یاسین" را گرفتم.

¹⁴¹. اسناد محرمانه استخبارات انگلیس، تلگرام محرمانه شماره ۱۴۷۰ مؤرخ ۲۷ می، بخش دوم مراسلات ۱۹۱۹، مربوط به جنگ سوم افغان و انگلیس: L/P&S/10/819; FileP.1953/1919: سند شماره ۳۲۹.

¹⁴². اسناد محرمانه استخبارات انگلیس، بخش دوم مراسلات ۱۹۱۹، مربوط به جنگ سوم افغان و انگلیس: L/P&S/10/819; FileP.1953/1919: سند شماره ۳۲۲.

¹³⁸. Molesworth, G. N. (1963), ص ۱۳۲.

¹³⁹. اخلاص، عبدالخالق (۲۰۰۵م) ص ۲۰۵.

¹⁴⁰. اسناد محرمانه استخبارات انگلیس، تلگرام شماره ۱۴۵۰ مؤرخ ۲۵ می، بخش دوم مراسلات ۱۹۱۹، مربوط به جنگ سوم افغان و انگلیس: L/P&S/10/819; FileP.1953/1919: سند شماره ۳۰۱.

من در صورت درگیری در وادی اکسوس، اطلاع احضار سکاوت دیگر را نیز داده‌ام."

شنبه ۳۱ می ۱۹۱۹

یک لشکر بزرگ ده هزار نفری مومند ها تحت قیادت محمد امین کوپاخیل، پسر غازی محصل خان مومند به همراهی غازی خان محمد خان، برادر غازی میرزمان خان از باجور بطرف بریکوت حرکت نموده است.

کمشتر عالی پشاور و نماینده حکومت هند بریتانوی در ایالت سرحدی شمال غربی به آمرینش ضمن گزارش مفصل اوضاع در سرحد شمال غربی نوشت: "قرار اطلاع، یک لشکر اقوام سالارزایی و مومند با ملای سرکانی¹⁴³ به نزدیکی های اسمار رسیده اند... "چاندلو تیراگ" یکی از رفقای کافر (نورستانی-ز) " رابرتسن (Robertson) به تاریخ ۲۳ می در حمله شجاعانه بر پل باشگل (لنپه سیند) کشته شده است. یک راپور دیگر از چترال حاکیست که "غلام خان"، خان سابق اسمار که فعلاً در چترال بود و باش دارد¹⁴⁴، یک لشکر تقریباً سه هزار (۳۰۰۰) نفری را برای حمله بر اسمار آماده ساخته است که هشتصد (۸۰۰) نفر آنها به

¹⁴³. هدف از ملای سرکانی، میا صاحب سرکانی میباشد. برای معلومات بیشتر به ضمیمه اول (مجاهدین و روحانیون معروف سمت مشرقی مراجعه شود.

¹⁴⁴. یک نواسه خان سابق اسمار، عبدالله خان، بنام اسماری خونزا (شاهدخت اسمار) یکی از خانم های متنفذ چترال بود که نخست با مهتر محترم شاه، که به آدمخور معروف بود، ازدواج نموده و بعداً با برادرش مهتر امان الملک ازدواج نمود. وی مادر مهتر شجاع الملک بود که در سال ۱۹۱۹ مهتر چترال بود.

"دانگام" در چهار میلی شرق "اسمار" رسیده اند. وی متعاقب حمله حکومت بر "اسمار" از ما ضمانت حمایت خواسته است. قرار اطلاع با رسیدن سه دسته از قوای عثمان خان به اسمار، تعداد مجموعی افراد گاریزون اسمار حالا به دو هزار نفر (۲۰۰۰) نفر میرسد. یک لشکر سالارزایی ها هم در صورت سقوط اسمار از حکومت خواستار کمک شده اند. به این گونه به مشاهده میرسد که سه دسته برای تصرف اسمار مسابقه دارند. من به "ریلی" هدایت دادم که از طرف حکومت برای آینده هیچ تعهدی ندهد، اما گفتم تا حد امکان کمک کند¹⁴⁵."

پیشروی مجدد قوای افغان ها و شکست انگلیس ها

یکشنبه اول جون ۱۹۱۹ میلادی (مطابق ۲ رمضان ۱۳۳۷ هجری قمری یا ۱۰ جوزای ۱۲۹۸ هجری شمسی)

بارسیدن قوای تازه نفس لشکر قومی، غازی میرزمان خان یک بار دیگر شیوه جنگ را از شیوه چریکی به جبهه ای تغییر داد. آنها در نواحی ارنوی بر کمپ قوای انگلیس ها که قیادت آن را شخص سامبورن-پالمر به عهده داشت حمله نمودند. قوای انگلیسی با روشن ماندن آتش با استفاده از تاریکی شب، پا به فرار نهاده خود را تا میرکهنی رساندند. افغان ها یکبار دیگر توانستند در دو-سه روز آینده با زدو خورد های پراکنده با محافظین مهتر و قوای چترالی

¹⁴⁵. اسناد محرمانه استخبارات انگلیس، تلگرام محرمانه شماره ۱۵۰۴، بخش

دوم مراسلات ۱۹۱۹، مربوط به جنگ سوم افغان و انگلیس. L/P&S/10/819; FileP.1953/1919: سند شماره ۳۷۴.

تحت قوماندۀ ناصرالملک، پسر مهتر، مناطق "گل" و "لمبر بت" را نیز دوباره تسخیر کنند و به پیشروی شان در خاک چترال ادامه دهند.¹⁴⁶

بعضی از منابع انگلیسی و نویسندگان شاهنامه چترال این فرار انگلیس ها را شکست نه بلکه عقب نشینی مصلحتی میدانند، نویسنده کتاب "بحران در سرحد: جنگ سوم افغان و کمپاین ۱۹۱۹-۲۰ وزیرستان"¹⁴⁷ مینویسد "اگرچه این (حملة ۲۳ می بر افغان ها- ز) یک عملیات کوچک تشویق کننده بود، در آن یک بخش کوچک قوای افغان درگیر بود. قوای ترسناک بیشتری در اسمار در حال جمع شدن بودند و برف کوتل های بدخشان در حال آب شدن. نشانه ها دال بر آن بود که گاریزون کوچک چترال بزودی کم از کم از سه طرف مورد تهدید قرار خواهد گرفت. سامبورن-پالمر تصمیم گرفت تحت این شرایط، عوض درگیری با افغان ها بطرف قلعه دروش عقب نشینی نموده منتظر حرکت بعدی دشمن باشد. وی به تاریخ اول جون اطلاع مؤثق حاصل نمود که سه کندک پیاده و یک دسته سواره افغان در منطقه "ساو" در دوازده میلی جنوب ارنوی تجمع نموده اند. علاوه شش هزار (۲۰۰۰) قبایلی از منطقه دیر، مانند کرگسانی که بدور لاشه جمع میشوند، در شرق ارنوی جمع شده اند. قوای سامبورن-پالمر در تاریکی شب اول جون از همان راهی که آمده بودند در حالی عقب نشینی کردند که آتش کمپ شان برای فریب دادن افغان ها روشن مانده بود."

¹⁴⁶. اخلاص، عبدالخالق. (۲۰۰۵م) ص ۸۲.

¹⁴⁷. Robson, Brian (2004) ص ۳۷.

دوشنبه ۲ جون ۱۹۱۹ میلادی تمام قوای باقیمانده انگلیس ها از گله پیچ نیز فرار نموده تا میرکهنی رسیدند. انگلیس ها تصمیم گرفتند چهارصد (۴۰۰) نفر از سکاوت چترال را همراه با چهارصد (۴۰۰) نفر از محافظین مهتر برای دفاع در میرکهنی و نزدیکی های "گله تک" در نصف راه میرکهنی و "دروش" گذاشته، باقیمانده قوای خود را به قلعه دروش برسانند و مواضع دفاعی بیشتری در جنوب دروش تأسیس کنند.

پنجشنبه، ۵ جون ۱۹۱۹

کمشتر عالی پشاور و نماینده گورنر جنرال هند بریتانوی در ایالت سرحد شمال غربی به مرکز اطلاع داد "ریلی در تلگراف ۳ بعد از ظهر ۴ جون خود نوشته است ستون های متحرک ما به میرکهنی رسیدند. راپور ها حاکیست که در حالی که چهار گروه سربازان عسکری و یک گروه پنجم احتیاط با عده نامعلومی از جنگجویان قومی برای حمله بر ما از "اسمار" به مارش آغاز نموده اند سکاوت و محافظین مهتر نیز به خط میرکهنی و کوتل پیتاسن در حال رسیدن میباشند. راپور امروز میرساند که جنگجویان قومی "دیر"، "جندول"، "خار" و "براول" نیز به قوای "اسمار" میپیوندند، آنها را که "بری کوت" و "ارندو" (ارنوی-ز) را اشغال نموده اند، و برای گوش مالی باشکلی ها بخاطر کمک کردن شان در غارت با ما، رخنه میکنند. باشکلی ها به فرار شان بطرف چترال آغاز نموده اند.

راپور ها همچنان از آمادگی حمله اقوام دیر بر کوتل وادی شیشی خبر میدهند، اما من فکر نمیکنم این یک حمله بزرگ باشد¹⁴⁸."

دو شنبه ۹ جون ۱۹۱۹

کمشتر عالی پشاور و نماینده گورنر جنرال در ایالت سرحد شمال غربی به مرکزش نوشت که "...ریلی از میرکهنی راپور میدهد که کرنیل افغان به کافر (نورستانی-ز) های کامدیش، در صورتی که آنها پلها و سرک های تخریب شده را باز سازی کنند، پیشنهاد عفو نموده است¹⁴⁹."

سه شنبه ۱۰ جون ۱۹۱۹

کمشتر عالی پشاور و نماینده گورنر جنرال ایالت سرحد شمال غربی¹⁵⁰ به مرکزش از گرفتن تلگرام ریلی در میرکهنی اطلاع داد که در آن از ضرورت تقویة مورال چترالی ها و ارسال تفنگ و مهمات بیشتر یادآوری شده بود. چون ارسال مقدار زیاد سلاح و مهمات از طریق دیر در شرایط فعلی ممکن نیست، تنها راه ارسال آن از طریق گلگیت ممکن خواهد بود، که حد اقل مدت دو ماه را در بر خواهد

¹⁴⁸. اسناد محرمانه استخبارات انگلیس، تلگرام محرمانه شماره ۱۵۲۳ مؤرخ ۵ جون، بخش دوم مراسلات ۱۹۱۹، مربوط به جنگ سوم افغان و انگلیس. L/P&S/10/819; FileP.1953/1919: سند شماره ۴۲۰.

¹⁴⁹. اسناد محرمانه استخبارات انگلیس، تلگرام شماره ۱۰۰۳ مؤرخ ۹ جون (واصلة ۱۰ جون)، بخش دوم مراسلات ۱۹۱۹، مربوط به جنگ سوم افغان و انگلیس. L/P&S/10/819; FileP.1953/1919: سند شماره ۴۵۳.

¹⁵⁰. اسناد محرمانه استخبارات انگلیس، تلگرام شماره ۲۱۱۱ مؤرخ ۱۰ جون، بخش دوم مراسلات ۱۹۱۹، مربوط به جنگ سوم افغان و انگلیس. L/P&S/10/819; FileP.1953/1919: سند شماره ۴۲۱.

گرفت. وی از حکومت تقاضا نمود که به آنها یک تا دو هزار میل تفنگ نوع 303 M. L. E. و برای هر تفنگ پنجمصد (۵۰۰) مرمی ارسال کنند. در عین زمان برای جلوگیری از ضیاع وقت از سکاوت گلگیت Gilgit Scout خواسته شود که تمام تفنگ های اضافی شانرا فوراً به چترال بفرستند. از دربار کشمیر نیز خواسته شود تمام تفنگ های اضافی شانرا از طریق گلگیت به چترال بفرستند."

اما سیر حوادث بزودی تغییر خورد. برخلاف توقع، نه تنها همه خوش بینی و امید انگلیس ها در رابطه با سقوط احتمالی اسمار به یأس تبدیل شد، بلکه افغان ها در جبهه چترال، تقاضای قبول آتش بس را که به تاریخ سوم جون بین انگلیس ها و افغان ها بتصویب رسیده بود، قبول نکرده و به پیشروی خود در خاک چترال ادامه دادند. ترس انگلیس ها وقتی بیشتر شد که از جمع شدن شش کندک از قوای افغانی در بدخشان، اعزام شان به واخان و قصد حمله شان بر چترال از طریق کوتل های "بروغیل" و "مینجان" اطلاع یافتند. در اسمار هم جنرال عبدالوکیل خان نورستانی، قوماندان قوای عسکری با جمع آوری هفت کندک برای حمله بر چترال آمادگی میگرفت. بالاخره در جنوب شرق چترال، در سوات هم، آتش پاره بنام "سنداکی ملا¹⁵¹" میکوشید یک قوای جنگجویان یوسفزی را برای حمله بر چکدره، که برای ارتباط با چترال اهمیت حیاتی شاهرگ راداشت¹⁵²، جمع آوری کند. انگلیس ها اعتراف میکنند که

¹⁵¹. ملاولی احمد مشهور به سنداکی. ملا یا سنداکی. بابا در قریه کوچک

سنداکی. سوات تولد شده و یکی از ملایان فعال اصلاح طلب و فعالین تحریک جهاد ضد استعمار انگلیس بود. برای معلومات بیشتر راجع به این شخصیت لطفاً به قسمت ضمائم مراجعه کنید.

¹⁵². Robson, Brian (2004). صفحات ۳۸ و ۳۹.

اگر این تهدیدها جامعه عمل میپوشید، برای انگلیس ها بسیار خطرناک ثابت شده میتوانست. درین وقت فرقه شانزدهم از قوای احتیاط مرکزی که برای مجادله با مزاحمت در سوات تعیین شده بود، برای کمک به "پل" اعزام شده، و با در نظر داشت ضرورت شدید تقویت قوای بلوچستان، هیچ قوه دیگری برای کمک به چترال وجود نداشت. تنها کمک احتمالی آخری ای که ممکن بود به داد آنها برسد دو کندهک سربازان امپراتوری ایالت کشمیر¹⁵³ از گلگیت بود که باید با یک مارش طولانی و مشکل و طی مسافت دوصد و چهل (۲۴۰) میل از طریق کوتل های شرقی خود را به آنجا میرسانند¹⁵⁴. انگلیس ها اعتراف میکنند که از بخت خوب شان نه "ملا سنه کی" موفق شد و نه هم تهدید حمله از طرف بدخشان جامعه عمل پوشید¹⁵⁵.

شنبه ۲۱ جون ۱۹۱۹

کمشنر عالی و نماینده انگلیس ها در سرحد شمال غربی به مرکز نوشت که "قرار راپور ۲۰ جون ریلی، جنرال وکیل خان که درین او آخر به اسما رسید است با خود یک هزار (۱۰۰۰) نفر پیاده و دوصد (۲۰۰) نفر سواره را آورده است، که خوب مسلح هستند. وکیل خان یکی از کافری هایست که به دین اسلام گرائیده، و عقیده برآنست که قصد حمله بر کافر (نورستانی-ز) های باشگل (لنډې سیند) را دارد. راپور های تأیید نشده حاکیست که کافر های "رامگل"، "ویران" و "دره ورگل" علیه افغان ها دست به بغاوت زده اند. "شکگلی های لوت

ده "هم در ابا ورزیدن به فرستادن جرگه به افغان ها، "کامدیشی" ها را همراهی میکنند¹⁵⁶."

یکشنبه ۲۲ جون ۱۹۱۹

کمشنر عالی و نماینده انگلیس ها در سرحد شمال غربی از تلگرام میجر ریلی از دروش اطلاع داده نوشت که "خبر بغاوت کافر های "رامگل"، "دره ویران" و "ورگل" را تأیید میکند. قرار اطلاع، قوای پیاده وکیل خان را در اسما اکثرأ نورستانی های جدیداً به اسلام مشرف شده دره رامگل تشکیل میدهند. ریلی اجازه خواسته است با افغان ها مذاکره کند. من به وی گفتم که در حال حاضر به چنین کاری دست نزنند¹⁵⁷."

حرکت جنرال عبدالوکیل خان نورستانی از اسما

دوشنبه ۲۳ جون ۱۹۱۹ (مطابق ۲۴ رمضان ۱۳۳۷ یا اول سرطان ۱۲۹۸)

جنرال عبدالوکیل خان از اسما حرکت کرد و بتاريخ ۲۳ جون به بریکوت رسید. وی بعد از تسلیمی مواضع "دوکلام" و "ارنوی" از لشکر قومی فاتح غازی میرزمان خان، و مؤظف ساختن یک

¹⁵⁶. اسناد محرمانه استخبارات انگلیس، تلگرام شماره ۱۷۲۱ مؤرخ ۲۱ جون،

بخش دوم مراسلات ۱۹۱۹، مربوط به جنگ سوم افغان و انگلیس.

L/P&S/10/819; FileP.1953/1919: سند شماره ۵۳۲.

¹⁵⁷. اسناد محرمانه استخبارات انگلیس، بخش دوم مراسلات ۱۹۱۹، مربوط به

جنگ سوم افغان و انگلیس: L/P&S/10/819; FileP.1953/1919: سند شماره

۵۵۳.

¹⁵³ Kashmir Imperial State Troops .

¹⁵⁴ Molesworth, G. N. (1963). ص ۱۳۷.

¹⁵⁵ Robson, Brian (2004) صفحه ۳۸.

کندک از سربازانش برای دفاع ازین مواضع، به همراهی سه کندک از سربازان و یک لشکر قومی تقریباً یکهزار و پنجمصد (۱۵۰۰) نفری یکجا با غازی میرزمان خان و مهتر عبدالرحمن خان¹⁵⁸ (برادر شجاع الملک مهتر چترال که یکی از مخالفین انگلیس ها و برادرش بود)، برای جزادادن به نورستانی های که با انگلیس ها همکاری نموده بودند، از بریکوت بطرف شمال حرکت کرد. انگلیس ها از اینکه آنها میتوانستند از نورستان به آسانی به طرف شرق برگشته و چترال را مورد حمله قرار دهند، به هراس افتادند¹⁵⁹. چترالی های محافظ مهتر از کامدیش در ۱۳ میلی شمال غرب بریکوت به "پتیگل" در غرب کوتل "برمبولا" فرار نمودند، جایی که یک تولی-سکاوت نیز با آنها یکجا شد.

یکشنبه ۲۹ جون ۱۹۱۹

عبدالوکیل خان و همراهانش به پیشروی شان ادامه داده به تاریخ ۲۹ جون به "لوت ده" (قریه بزرگ در زبان چترالی) در قسمت های علیای دریای باشگل (لنډې سیند) رسیده، دست به اقدامات تنبیهی زد و سرانی را که در تهاجم شرکت ورزیده بودند، بازداشت نمود¹⁶⁰. بعد ازین پیروزی، تصمیم گرفته شد که جنرال عبدالوکیل خان با قوای عسکری و همراهی مهتر عبدالرحمن خان از راه بریکوت بر قلعه دروش حمله برده و غازی میرزمان خان با لشکر

¹⁵⁸. مهتر جو (شهزاده) عبدالرحمن خان، پدر خان معروف جلاله شادروان

عبدالملک خان و پدرکلان محترم امان الملک جلاله بود.

¹⁵⁹. Molesworth, G. N. (1963), ص ۱۳۷; Robson, Brian (2004) ص ۳۸;

و Government of India. (1926), ص ۹۳.

¹⁶⁰. Molesworth, G. N. (1963), ص ۱۳۸.

یکهزار نفری قومی اش از راه "بمبوریت" به "آیون" حمله کند و خط مواصلاتی و ارتباط بین شهر چترال و قلعه دروش را قطع نماید¹⁶¹.

انگلیس ها برای جلوگیری از پیشرفت افغان ها به شمال شرق و عبور از کوتل های متعدد بمقصد رسیدن به حوزه رودخانه "بمبوریت" و بعداً حمله بر چترال، دو تولی از سکاوت چترال و دو تولی از قوای محافظ مهتر را به منطقه "ایون" در فاصله تقریباً ده میلی جنوب شهر چترال در وسط شهر چترال و قلعه دروش فرستادند. این منطقه در تقاطع دریا های چترال (کنر) و "بمبوریت" موقعیت دارد.

سه شنبه اول جولای ۱۹۱۹ میلادی (۹ سرطان ۱۲۹۸ هجری شمسی) قوای انگلیسی در "پتیگل" شکست خورده به "اورتسن" در دو نیم میلی شمال غرب میرکهنی عقب نشینی نمودند. سامبورن-پالمر قوماندان قوای انگلیس ها در دروش چاره نداشت جز آنکه در داخل قلعه اش منتظر سرنوشت و سیر حوادث بعدی بماند. وی که زخم بدنش تا هنوز التیام کامل نیافته بود، شهامت جنگجویان افغان را شخصاً تجربه کرده بود. کرنیل سامبورن-پالمر تصمیم گرفت عوض جنگیدن در دو جبهه مختلف (یکی قوای جنرال عبدالوکیل خان و دیگری جنگجویان غازی میرزمان خان) به دفاع از قلعه دروش پردازد. او میدانست که تنها راه نجاتش اتکا به دو عنصر استخبارات بموقع و تحرک سریع (گریز چابک-ز) میباشد¹⁶².

¹⁶¹. اخلاص، عبدالخالق. (۲۰۰۵م) صفحات ۱۵۲-۱۰۸.

¹⁶². Robson, Brian (2004), ص ۳۹.

پنجشنبه ۱۰ جولای ۱۹۱۹

کمشنر عالی انگلیس ها به معاون نماینده سیاسی Assistant Political Agent در چترال نوشت: "در رابطه با پیغام مهتر در مورد چترال و مذاکرات صلح، به وی بگوئید که درین وقت بحرانی ناممکن است که او یا شما و یا هم سامبورن-پالمر چترال را ترک بگویند. من در شیمله هستم و نظریات چترال را به دفتر خارجه توضیح دادم. به او هیچ نوع امیدواری افزایش ساحه چترال را ندهید؛ امکان چنین چیزی اصلاً وجود ندارد؛ تا معلوم شدن نتایج مذاکرات صلح، او را از تحریک کافر (نورستانی) ها و افغان ها بازدارید. شاه (انگلستان) به وی لقب والاحضرت¹⁶³ و سلامی فیر ۱۱ توپ را داده است. به وی تا رسیدن اطلاع رسمی درین باره چیزی نگوئید"¹⁶⁴.

چهارشنبه ۱۲ جولای

یک دسته کوچک جنگجویان افغان کوتل "زیدیگ" را عبور نموده سعی نمودند بطرف "لوتکهو" به پیش روند، اما بعد از یک زدو خورد کوچک عقب نشینی کردند.

پنجشنبه ۱۷ جولای ۱۹۱۹

یک دسته هشتصد (۸۰۰) نفری جنگجویان افغان (تحت قیادت غازی میرزمان خان) بعد از عبور از کوتل "شاوی" در امتداد

¹⁶³ His Highness یا لقب افراد خاندان سلطنتی

¹⁶⁴ اسناد محرمانه استخبارات انگلیس، تلگرام محرمانه شماره ۱۹۱۱ مؤرخ ۱۰ جولای، بخش چهارم مراسلات ۱۹۱۹، مربوط به جنگ سوم افغان و انگلیس.

L/P&S/10/819; FileP.1953/1919: سند شماره ۴۲۱.

"بمبوریت" بطرف "ایون" تا یک میلی قریه "بمبوریت" پیشرفتند. در جنگ شدیدی که در نزدیکی های قریه "بمبوریت" در ده (۱۰) میلی شمال غرب قلعه دروش درگرفت به هر دو طرف تلفات وارد شده، انگلیس ها تلفات افغان ها را ده (۱۰) شهید قلمداد کرده اند¹⁶⁵.

شادروان عبدالخالق اخلاص جریان این واقعات را چنین بیان میکند¹⁶⁶:

بیا چې راغي عالیجاه محمد امین¹⁶⁷
هم و سره وو ټول مؤمن مجاهدین
چې په شمار دغه حساب و لس هزار
پسې تلې خان محمد و برخوردار
هم چې تلی وو "ډیری" له درې کنډکه
بیرته راغله بریکوټ له له کومکه
یوه میاشت هلته دیره وو هسې شان
ورکوله آذوقه میرزمان خان
په هر ځای وې تهانې د کافرانو
پرې پیږې شوې مقرري د غازیانو
بیا چې راغي بریکوټ له په تعجیل
جرنیل صاحب جدیدی عبدالوکیل

¹⁶⁵ Molesworth, G. N. (1963). ص ۱۳۸؛ Robson, Brian (2004) ص ۳۹؛

Government of India. (1926) ، ص ۹۴.

¹⁶⁶ اخلاص، عبدالخالق. (۲۰۰۵م) صفحات ۱۵۲-۱۰۸.

¹⁶⁷ محمد امین خان کوډاخیل فرزند غازی محصل خان کوډاخیل

هغه ورورد چترالي غلام پاچا
 چپاوسره د لښکره راغې بيا
 هم وسره شو جدیديان د نورستان
 هغه وخت کې چې بې کړی و طغیان
 په حمله يي نورستان کړ ټول پايمال
 مهرديش او هم کامدیش برگيمتال
 جرنيل عبدالوکیل پاتې حيران شه
 متفق سره د غازي مير زمان خان شه
 په کفارو يي جنگ وکړ ډير اصعب
 مقدمه يي وکړه سخته روز و شب
 په خونريز له ډيره جنگه عاليشانه
 چتراليان شوه ټول بهر له نورستانه
 بيرته راغله "بريکوت" له هغه دواړه
 جرنيل او خان غازي غاړه په غاړه
 اتفاق يي د ورورۍ وکړ يارانو
 ښه جرگه يي په تاراج د دښمنانو
 جرنيل عبدالوکیل هسې وينا کړه
 دا وينا يي خان غازي ته هويدا کړه
 چې زه هم د بريکوت په لار له جوشه
 د کفارو جنگ وباسمه له "دروشه"
 او ته لاړ شه په حمله غازي سنگينه
 هسکې کړه دوړې له ممریت او له آيينه¹⁶⁸
 په آيين کې مزه دار وي کله زنگ

دغه زنگ صفا که زر، مه کوه درنگ
 شه روان په هغه دم مير زمان خان
 د ممریت او د آيين په لور روان
 هم وسره زر ملاتړ وو واړه خپل
 پينځه ورځې تمامي په منډو تلل
 د ممریت او د چترال تر منځه وروره
 جدايي څلور گروهه نشته نوره
 په چپاو په حمـله ورغله يکبار
 د چتراله نه يي هم تير و اختيار
 د سبانه تر مابنامه پورې جنگ
 هلته وشو په ممریت کې هغه درنگ
 د کفارو نه يي پـرې ډير کلې کړې
 هم د وينو يي روانې سرې ولې کړې
 مال اسباب يي که تاراج هغه زمان
 چونی و سوي هرڅه شوييت او بيابان
 هلته کيناسته تيار مير زمان خان
 د "چترال" د اخیستويي و وارمان

شنبه ۱۹ جولای ۱۹۱۹

افغان ها تمام کوتل های را که از افغانستان به چترال منتهی
 میشدند، از "زیديگ" در شمال تا "برمبولا" در جنوب، به تصرف
 خود درآوردند. بعد ازین افغان ها تاکتيک جنگی شانرا به اثر فشار

و شکایت هیئت انگلیسی در مذاکرات صلح، تغییر دادند و تنها قوای قومی در جنگ شرکت داشتند¹⁶⁹.

به حواله نگارنده جبهه چهارم استقلال شاه امان الله غازی با ارسال فرمانی به غازی میرزمان خان از جریان مذاکرات صلح اطلاع داد و خواست تا اطلاع ثانی از حمله و پیشروی خودداری نماید¹⁷⁰ بیاید ترجمه منظوم این فرمان و جریان بعدی آنرا از خود مرحوم اخلاص بشنویم:

یو فرمان یې کړ تیار په هسې شان
په نامه د خان غازی میرزمان خان
و مضمون د فرمان دا رنگه پر دانه
ترجمه یې په پښتو ده عالیشانه
عالیجاهه په احوال باندي خبر شه
د کونړ میرزمان خان مستحضر شه
ستا خدمت او صداقت ښه هویدا شه
ترضیه او فراحت زما پیدا شه
ستا دپاره د غلې په باب عیان
د کونړ حاکم ته شوی دی فرمان
آذوقه د مجاهدو به کامله
تا و ته رسیږي ښه بلا تعطیله
نفرې چې خپه ښه شي د جهاد

¹⁶⁹ . Molesworth, G. N. (1963) ، ص ۱۳۸؛ ؛ Robson, Brian (2004) ص

۳۹؛ و Government of India. (1926) ، ص ۹۴.

¹⁷⁰ . اخلاص، عبدالخالق (۲۰۰۵م) صفحات ۱۶۰-۱۶۴.

چې بیغمه ناست قرار وي خاطر ښاد
په خصوص کې دکارتو سوهسې شان
نایب سالار د مشرقی ته دی فرمان
ډیر صندوقه دکارتو سوهسې به په خپله
تاته ولیږي کامل بلا معطله
او په باب کې د جهادهسې فرمان دی
چې دولت برتانیه صلح جویان دی
هم جاري په مینخ کې دی مکاتب
یو تــــر بله دی جاري مکالمت
تاته حکم اوارشاد عظیم الشان
هسې شان زما د لوري دی عیان
هر چې پوځ نظامي او که ملکي وي
چې هر څوک مجاهدین او لشکري وي
آماده دي په خپل ځای دلته قاعدوي
په خدمت د خپل ملت دي مستعد وي
او حمله دي په کفارو نه کــــوینه
تر هغه چې ثاني حکم صادر شینه
که حاصله چیرته صلح په عزت شوه
په شرف او په مقصود ددي دولت شوه
اطلاعهــــی به تر تا وي هم ارشاد
او که نه وه، شي به حــــکم د جهاد
چې فرمان داد سلطان اعلی حضرت
هسې راغــــی له کابل په سرعت
له "ممریت" او له "آیینه" هغه آن

بیرته راغی "بریکوټ" له غازي خان بیا جرگه په "بریکوټ" عبدالوکیل وکړه سره د غازی خان په تعجیل چې لښکر لار شهه! تیار راو له دلته منتظره د بادشاه یو حکم بل ته چې هر دم راښی ثانی حکم د شاه په کفارو به حمله کړو عالیجاه متصله غازي خان په ښه عنوان کړ تیار یې لښکر لاس زره عیان منتظره په فرمان د شهنشاه وو په دعا شاه غازي ته د ست بالا وو بیا فرمان راغی ثانی په هسې شان د حضوره د غازی شاه زمان چې ما صلح کړه اختیار تاسې خبر شئ په دعا د دین مشغول ه سراسر شئ څه چې خیر د دین دولت د استحکام و هغه وشه چې زمونږ د زړه مرام و چې اصدار د دې فرمان و شهه دلبره شوې خورې لښکرې بیرته سر تر سره هم غازي میر زمان خان راغی په کور له خدمته بیرته راغی په دې لور

جمعه ۸ اگست ۱۹۱۹ مطابق با ۱۲ اسد ۱۹۹۸ با امضای قرارداد صلح بین انگلستان و افغانستان جنگ درین جبهه چترال و کنر نیز خاتمه یافت، اما با وجود معاهده صلح، ارنوی و دو کلام تا ۱۷ ماه جنوری ۱۹۲۲ بدست افغان ها باقیماندند،

از برکت شجاعت، سربازی، و فداکاری فرزندان افغان در تمام جبهات و رهبری مدبرانه شاه امان الله خان غازی، انگلیس ها مجبور شدند آزادی کامل افغانستان را به رسمیت بشناسند و کشور عزیز ما به حیث یک کشور آزاد و مستقل با ملل دیگر جهان روابط سیاسی برقرار کرد.

- سردار خان، برادر	- کندل خان برادر فتح	- جمروز خان	- غلام رسول خان
- غازي ميرزمان خان	- محمد خان	- مير افضل خان	- سيد صفدر خان
- وزير محمد ساکن	- قمرخان برادر زاده	- مغل خان	- مير آغا جان
- کوتکی	- فتح محمد خان	- ملک عبدالله خان	- فرامرز خان
- ميا عمر اخونزاده	- جالی خان ولد فتح	- جمدر خان	- ملک صاحب حق
- پسر امير حمزه (رح)،	- محمد خان	- ملا فقير محمد خان	- محمد ناصر خان
- پدر طالب آخند زاده	- بازوان برادر زاده	- شاه ولی خان	- افسر خان برادر
- ننگلام	- فتح محمد خان	- شیرین محمد خان	- ناصر خان
- محمود خان	- منظر خان برادر زاده	- ولد ملک لعلی جان	- شیرگل خان
- سامدل خان برادر	- فتح محمد خان	- میراجان ولد لعلی	- قیمت گل خان
- وزير محمد	- مير مست خان برادر	- جان	- حضرت علی خان
- فتح محمد خان از	- زاده فتح محمد خان	- ولی محمد	- محمد اجان
- ماماخیلان غازی	- ملک شهبسوار خان	- صیفور جان	- احمد شاه خان
- ميرزمان خان که با ۱۰	- ولد سرباز خان	- مير مست خان ولد	- سيد اکبر خان
- نفر دیگر از خانواده	- خالد خان ولد سرباز	- ملک گلزار خان	- محی الدین خان
- اش به شهادت رسید	- خان	- عظیم گل خان	- بیړا خان
- مومن خان ولد فتح	- شیردل خان	- غوث الدین خان	- عبد الخالق خان
- محمد خان	- حسن گل خان	- ملک امیر جان ولد	- ملا صاحب ساکن
- ميردل خان ولد فتح	- فقير محمد خان	- ملک جان	- لچگلی
- محمد خان	- مير اعظم خان	- آزاد گل جان	- سيد اجان
- بلوک خان برادر زاده	- لعل باز خان	- حسام الدین خان ولد	- مودم خان
- فتح محمد خان	- امین جان	- غلام خان	- اکبر علی خان
- ایمل خان برادر زاده	- محمد عظیم خان	- گلاب الدین خان	- ساز محمد خان
- فتح محمد خان	- امیر جان	- ولد میر علی خان	- مقرب خان
- نظر محمد خان	- نظر محمد خان	- شاه جان خان	

اسمای آنعده از مجاهدینی که در جبهه چترال شرکت

نموده و به خلعت شاهانه نایل شدند :

گل رحمان	-	ملک هیکل جان	-	شیر محمد	-	ملک عبدالوکیل
امین جان	-	ملک شاپور خان	-	متعلی خان	-	سید احمد جان
محمد الیاس	-	ملک غنباز خان	-	شاهزاده	-	پاینده محمد
نور محمد خان	-	ملک آزاد شاه	-	خیر البشر اخندزاده	-	محمد شاه خان
گلنام	-	ملک شیر علی خان	-	ملک گلدین خان	-	ملک عبدالغنی
سید عبدالشریف	-	ملک سید نور خان	-	ملک محمود خان	-	ملک فیض محمد
گلاجان	-	ملک آدم خان	-	ملک پاینده خان	-	ملک عبدالعزیز خان
علم خان	-	ملک سید محمد	-	ملک لاهور خان	-	ملک سید رحمان
سید نور شا بادشاه	-	خان	-	ملک گلنام	-	ابو الکلام اخندزاده
محمد شیر جان	-	ملک حمید الله خان	-	ملک محمد حسین	-	ملا نصرالدین
ملک آجون خان	-	ملک عبدالغفور	-	خان	-	اخذزاده
ملک غلام حسین	-	خان	-	ملک محمد ایوب	-	ملک کامل
حسن جان	-	ملک شیر گل خان	-	خان	-	ملک عمر
قاضی عبدالله خان	-	ملک محمد افضل	-	ملک سید عظیم خان	-	ملک غلام محمد
ملک عبدالرشید	-	خان	-	ملک شینا	-	ملک سلازری
جان	-	ملک عبدالستار	-	ملک عبدالله جان	-	ملک فیض طلب خان
ملک سید امیر خان	-	خان	-	ملک رحمت الله خان	-	قلندر شاه
مدت خان	-	ملک سکندر خان	-	سید میران بادشاه	-	سید عظیم
ملک حبیب رسول	-	میرزا عبدالرحمان	-	ملک غلام رسول	-	میرزا غلام دستگیر
ملک صفر خان	-	خان	-	خان	-	خان
ملک غلام جان	-	ملک گل خان	-	ملک محمد فقیر	-	امام الدین
ملک خادم خان	-	ملک احمد رسول	-	ملک طوطی شاه	-	محمی الدین خان
ملک میر محمود	-	ملک میر زمان خان	-	ملک عبدالخالق	-	اخذزاده
خان	-	ملک بهادر خان	-		-	
ملک حبیب خان	-	پاینده خان	-		-	

-	ملک عبدالقادر خان	-	ایراد الدین
-	عبدالرحیم خان	-	ملک عین الله خان
-	اخذزاده	-	ملک امیر محمد
-	ملک میر دل خان	-	اخذزاده
-	ملک بختیار خان	-	ملک خوشدل خان
-	محمد حسین	-	ملک باو جان
-	صاحبزاده	-	میرزا قمر خان
-	ملک حضرت خان	-	محمد جان خان
-	ملک رحمان خان	-	ملک باغیجان
-	ملک میر افضل خان	-	ملک دیوگلی
-	ملک عبدالحمید	-	ملک علم خان
-	خان	-	ملک محمد عظیم
-	حضرت حسین	-	خان
-	ملک دوست محمد	-	ملک سید خان
-	خان	-	سید حسام خان
-	ملک حرمت الله خان	-	ملک احمد خان
-	شاه جهان	-	ملک نوروز خان
-	عبدالمنان	-	ملک رحمت الله خان
-	ملک زید الله خان	-	سید جلال پادشاه
-	ملک حضرت شاه	-	حضرت عمر خان
-	خان	-	ملک سلطان محمد
-	ملک شیر احمد	-	میر حسن خان
-	خان، ملک تازه گل	-	خان سید خان
-	خان	-	ملک عبدالؤمنین
-	ملک شیر خان	-	خان

-	ملک محمد علی	-	ملک شمشیر خان
-	خان	-	سید کمال پادشاه
-	ملک عزیز خان	-	ملک شیر محمد خان
-	ملک مقام خان	-	ملک بهاول خان
-	ملک قتلان خان	-	ملک جلات خان
-	ملا جان اخندزاده	-	ملک زین الله خان
-	عبدالغفور اخندزاده	-	ملک یاسین گل خان
-	ملک میان خان	-	ملک میران خان
-	ملک اسلام الدین	-	ملک مودم خان
-	ملک محمد کاظم	-	ملک نوروز خان
-	خان	-	ملک حیدر خان
-	ملک مفات خان	-	ملک سیکن خان
-	ملک محمد شیمر	-	نور علی شاه
-	خان	-	شیخ پادشاه اسلام
-	نور سید خان	-	پور
-	ملک عبدالحنان	-	ملا محمد عظیم
-	ملک قمبر خان	-	اخذزاده
-	ملک سید مؤمن	-	سید فقیر پادشاه
-	محمد عظیم خان	-	ملک عبدالغفور
-	ملک شیر باز	-	خان
-	ملک منصور خان	-	قمر الدین خان
-	ملک جان خان	-	ملک عبدالکریم
-	عتیق الله اخندزاده	-	ملک محی الدین
-	کرم خان	-	خان
-	ملک نور حبیب خان	-	ملک باد و لاک خان